



« آیا تعلق اروپایی‌ها در زمینه مذاکرات به دلیل تغییرات صحنه سیاسی ایالات متحده است؟ »

ما در این مسیر تعلق‌هایی می‌بینیم که در ماه‌های گذشته بیشتر بهانه می‌آوردند که معلوم نیست در آمریکا چه اتفاقی رخ می‌دهد. امروز هم که با توجه به وقایع اوکراین و موضوعات متعدد، میان اروپا و آمریکا اختلاف ایجاد شده است به نظر می‌رسد اروپایی‌ها بیش از قبل دچار عدم اعتماد به نفس و معطل آمریکا هستند. من شخصاً اروپای امروز را در این کنش راهبردی خیلی جلو و پیشرو نمی‌بینم. البته باید منتظر بود و دید.

« چشم‌انداز مذاکرات هسته‌ای را با توجه به وضعیت گره‌خورده در رابطه ایران و اروپا و همچنین بن‌بست مذاکره با آمریکا چطور می‌بینید؟ امکان بازیگری ایران در چه زمینی قابل تعریف است؟ »

من نمی‌توانم نیت خوانی کنم، اما به نظر می‌آید برخی در اروپا به این باور رسیده‌اند که می‌توانند با استفاده از اسنپ‌بک یک اهرم فشار دو لبه یا قدرت چانه‌زنی درست کنند، چه در مقابل ایالات متحده و چه در مقابل تهران. از طرف دیگر هم به نظر می‌آید که این را به عنوان یک ابزار مؤثر یا تنها ابزار مؤثر برای آنچه که آنها فشار بر ایران می‌خواهند، استفاده می‌کنند.

اما واقعیت این است که اولاً ایران تحت فشار هیچ وقت نه مذاکره کرده و نه چیزی را پذیرفته است. اتفاقاً این ابزار خود مخرب است، زیرا استفاده از این ابزار صحنه را به نوعی تغییر خواهد داد که دیگر شبیه معادلات دیگر نخواهد بود.

پاسخ‌های ایران از قبل گفته شده است. برخی اروپایی‌ها در جمع‌های خصوصی استدلال می‌کنند که ایران این موارد را اعلام می‌کند ولی نهایتاً عمل نمی‌کند. در حالی که ایران برای اینکه آنها بدانند چه خواهد کرد، حتی به صورت مکتوب هم به آنها اعلام کرده است که اصول پاسخش بر چه مبنایی خواهد بود.

اگر اروپایی‌ها در مسیر تشدید قرار بگیرند، بازنده خواهند بود. آنها باید از موضوع اوکراین درس بگیرند که یا باید استقلال راهبردی داشته باشند یا اینکه دچار سردرگمی و اضطراب دائمی خواهند بود.

مسیری که ایران به آنها پیشنهاد کرده، مسیر همکاری و اجتناب از تشدید و همکاری مبتنی بر رفع نگرانی دو طرف است. فکر می‌کنم اگر آنها به این مسیر نگاه کنند، متوجه می‌شوند که در گذشته هم هرگاه بر اساس احترام متقابل و موضع برابر با در نظر گرفتن ملاحظات ایران وارد گفت‌وگو شده‌اند بهتر جواب گرفته‌اند. ♦

اما به نظر می‌آید برخی در اروپا به این باور رسیده‌اند که می‌توانند با استفاده از اسنپ‌بک یک اهرم فشار دو لبه یا قدرت چانه‌زنی درست کنند، چه در مقابل ایالات متحده و چه در مقابل تهران. از طرف دیگر هم به نظر می‌آید این را به عنوان یک ابزار مؤثر یا تنها ابزار مؤثر برای آنچه که آنها فشار بر ایران می‌خواهند، استفاده می‌کنند

برابر خروج آمریکا از برجام داشته باشد، حالا قصد فعال کردن «مکانیسم ماشه» را دارد. آیا این حربه برای افزودن فشارها بر ایران سر مسائل دیگر همچون اوکراین است یا واقعاً تصمیم ندارد موعده قطعنامه ۲۲۳۱ برجام به پایان برسد؟

آنچه بین ایران و تروئیکای اروپایی در چهارچوب گفت‌وگوها اتفاق می‌افتد، مسیر طبیعی مکانیزی است که برای حل و فصل اختلافات در خود برجام دیده شده است. این گفت‌وگوها از قبل ادامه داشته، اما در مقطعی به دلیل عدم تمایل طرف مقابل دچار مشکلاتی شده است. الان هم هدف خیلی روشن است؛ اگر هدف رفع نگرانی‌های دو طرف باشد، به نظر من خیلی زودتر از این هم می‌شود آن را محقق کرد.

اما متأسفانه تروئیکای اروپایی در مقطعی نشان داده که سعی دارد به جای تمرکز بر موضوعات برجامی، دستورکار ملی خود را از طریق این مکانیزم پیش ببرد، این درحالی است که این مکانیزم برای کار دیگری تعبیه شده است.

الان هم به نظر می‌آید، سرعت و اراده محتوایی که نیازمند پیشبرد کار در این پنجره زمانی است، در طرف مقابل یا وجود ندارد یا خود را ناتوان از عمل به تعهداتش می‌بیند و لذا می‌خواهد صرفاً و یک‌طرفه بر ایران فشار بیاورد. ما همچنان با حسن نیت مذاکرات را ادامه می‌دهیم و خواهیم داد. اگر اراده‌ای باشد، حتماً راه‌های زیادی وجود دارد. ما پیشنهادهای خودمان را ارائه دادیم که هم عملیاتی و هم منطقی است؛ طرف مقابل باید پاسخ بدهد.

و برساخته‌ای است که بر اساس اهداف خاصی ساخته و ترویج می‌شود. رسانه‌های جریان اصلی به محوریت رسانه‌های صهیونیستی، این گزاره را دنبال می‌کنند. البته این درست است که ایران دچار چالش شده، همان‌طور که کل منطقه دچار چالش شده و برخی معادلات تغییر کرده است. توازن قوا در برخی نقاط دچار چالش شده است، اما این گزاره‌ها بیشتر بر اساس یک طراحی سیاسی چندین ساله هستند تا واقعیت. هدف از این طراحی‌ها این است که در داخل و خارج، کسانی که با ایران کار می‌کنند، از آینده ایران ناامید شوند و ایران را در یک وضعیت ضعیف ببینند. طراحی‌های حداکثری و حداقلی هم دارند و سعی می‌کنند از این طریق برنامه‌های سیاسی خود را پیش ببرند. اینکه ایران دچار چالش شده، درست است، همان‌طور که بسیاری از کشورهای دیگر هم دچار چالش شده‌اند. اما چه کسی می‌تواند بگوید که الان وضعیت این معادلات به چه سمتی خواهد رفت؟ معادلات راهبردی مانند یک بازی والیبال ست‌های زیادی دارد. رفت و برگشت است. دادن یا گرفتن یک ست، به معنای پایان بازی نیست؛ بازی ادامه دارد.

برای همین است که این گزاره کاملاً معیوب که ایران ضعیف شده است، ترویج می‌شود تا ذهنیت روانی پایان بازی ایجاد کند. برخی می‌خواهند این برداشت را به یک امر واقع در اذهان تبدیل کنند. این بیشتر از اینکه بیان یک واقعیت باشد، یک رمز عملیات در جنگ روانی است. مخاطبان این جنگ روانی روشن هستند و کسانی که باید هدف‌گذاری شوند هم روشن هستند. البته ما در ایران هم نقاط قوت و هم نقاط ضعف واقعی خودمان را می‌دانیم و بر اساس آنها و در چهارچوب منافع عالی‌ه مردم حرکت می‌کنیم و نه جنگ روانی به راه انداخته شده علیه کشور. آنچه که جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر دنبال می‌کند، ابهام راهبردی است تا در موقعیت بزنگاهی که موضوع بسیار کلیدی یا حیاتی و موجودیتی برای کشور و امنیت ملی‌اش مطرح شود، بتواند پاسخ مؤثر و دقیقی دهد. باید تأکید کنم پاسخ‌های ایران تا کنون بسیار دقیق محاسبه شده‌اند. برخی می‌خواهند این پاسخ‌های دقیق و محاسبه‌شده را ضعیف معرفی کنند، اما روشن است، اگر موضوعی باشد که ایران تهدید موجودیتی در نظر بگیرد، قطعاً هم نوع پاسخش غیرقابل پیش‌بینی و هم از جنس متفاوتی خواهد بود.

« نگاه الان اروپا به مسئله برجام چیست؟ به نظر می‌رسد در شرایطی که نتوانست در سال‌های اخیر کمترین اقدام موازنه‌ای در